



Research Paper

The People-Centered Public Security and Good Security Governance: Lesson Learning for Policy Recommendations

Saideh Lotfian^{1*}, Mohammad Baratian²

¹ Corresponding Author: Professor, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran. Email: slotfian@ut.ac.ir

² A PhD Candidate in Public Policy, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran. Email: mbaratian@ut.ac.ir

Abstract

Public policy-makers and public sector managers are often faced with high-stakes situations while they must ensure the well-being of their people, but they essentially base their decisions on national security from the perspective of regime's stability, as well as on their own self-interested considerations. Policymaking to defend against traditional military threats has remained a top policy priority of most (if not) all governments which are giving priorities to huge budget allocation for military spending. While we know a lot about national security consequences of military threats, we know much less about the implications of the current and future non-military threats to human security. The twin purposes of this paper are, a) to identify and examine the factors that influence security policy-making aimed at combating traditional and emerging public security challenges and threats; and b) to examine the merits of different models of governance with an emphasis on security sector governance as an effective means of decision-making and implementing policies to address equitable redistribution of income and wealth, just social security policies, power sharing, and peaceful conflict resolution techniques. Thus, this study is designed to gain insight into the determining factors influencing public security in the changing world from the perspective of people-centric policy-making. Urgent issues of outmost importance for public security include public healthcare, mental health, emergency preparedness for natural disasters, environmental

***How to Cite:** Lotfian, Saideh; and Mohammad Baratian. (2024, Winter) "The People-Centered Public Security and Good Security Governance: Lesson Learning for Policy Recommendations," *Fas'lnāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 53, 4: 761-790, <DOI:10.22059/JPQ.2024.370801.1008154>.

Manuscript received: 15 June 2023; final revision received: 7 March 2024; accepted: 9 March 2024; published online: 11 March 2024.



dimensions of human security, the consequences of militarization of law enforcement, cyber-crime prevention, public safety implications of technological advancement. The emergence of new technologies might be detrimental to public security in two ways: First, the new communication and surveillance technologies might facilitate the actions of the governments that plan to restrict personal liberties and political freedoms of their citizens. Second, criminal and terrorist groups may exploit new technologies (e.g., artificial intelligence) to expand their activities which generate threats to public security.

The primary and secondary research questions are as follows: 1. How can the advancement of public security and human security be achieved within the theoretical framework of good security governance and the people-centered approach to sustainable development? 2. Why should the security-development-democracy nexus be considered in people-centered public security policymaking? 3. What lessons can be learned from different governance models to confront security challenges and threats in the unstable global security environment? In the research hypothesis, it is postulated that good security sector governance leads to greater success in the people-centered public security policymaking. In order to reduce the level of military and non-military threats to the security of its citizens, a forward-looking government will adopt good governance model of decision-making. With a qualitative and explanatory approach, the authors seek to answer these questions, test the hypothesis, and outline the findings by means of an in-depth analysis of the arguments and evidence presented by the scholars in the existing political science and governance studies, which could foster lesson-learning from past experience of the success and failure of security policymaking. The results suggest that the potential consequences of the poor quality of governance for people-centered public security are highly dependent on the economic and political attributes of development. On the one hand, socioeconomic vulnerability contributes to mistrust in government leaders, public institutions and their civil servants. On the other hand, most people value transparency, good performance management, and opportunities for public participation in politics and policymaking. Thus, the quality of governance influence people's views of the legitimacy of political leaders, and might adversely affect their trust in government. Finally, the paper concludes with a summary of key policy recommendations for proactive people-centric policy-making and good security governance for confronting public security challenges.

Keywords: Human Security, Models of Governance, New Security Challenges, Good Security Sector Governance

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article. They confirm being the contributors of this work and have approved it for publication.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



امنیت عمومی مردم محور و حکمرانی امنیتی خوب: درس آموزی برای ارائه پیشنهادهای سیاستی

سعیده لطفیان^۱✉، محمد براتیان^۲id

^۱ نویسنده مسئول: استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: slotfian@ut.ac.ir
^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mbaratian@ut.ac.ir

چکیده

هدف اصلی در این پژوهش درک بهتر عوامل و شرایطی است که سیاست‌گذاران را در زمینه مبارزه با چالش‌های سنتی و نوین تأثیرگذار بر امنیت عمومی مردم-محور توانمند می‌سازند یا محدود می‌کنند. از اولویت‌های اصلی سیاستگذاری کمابیش همه دولت‌ها آمادگی برای دفاع در برابر تهدیدهای نظامی سنتی بوده است، هرچند که باید بیش از هر چیزی برای رفع نیازهای رفاهی و امنیتی شهروندان بکوشند. آنها باید تعیین سیاست‌ها را با رویکردی انسان‌محور و آینده‌نگر بر پایه بهترین شواهد علمی موجود و واقعیت‌های فنی و کاربردی قرار دهند. پرسش‌های پژوهشی عبارت‌اند از: ۱. چگونه می‌توان در چارچوب نظریه حکمرانی خوب بخش امنیتی، به تأمین امنیت عمومی مردم‌محور کمک کرد؟ ۲. چرا همبستگی امنیت-توسعه-مردم‌سالاری باید در سیاستگذاری امنیتی مردم‌محور در نظر گرفته شوند؟ ۳. برای رویارویی با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی در محیط‌های امنیت ملی و بین‌المللی ناپایدار چه درس‌هایی از الگوهای حکمرانی می‌توان آموخت؟ در فرضیه اصلی استدلال می‌شود که حکمرانی خوب بخش امنیتی (با ویژگی‌های مهم پرهیز از دولت‌محوری، مشارکت معنادار همه کنشگران دولتی و غیردولتی، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی شفاف، اثربخشی دادگرانه و فراگیر) به موفقیت بیشتر در سیاست‌های تأمین امنیت عمومی انسان‌محور می‌انجامد. از تحلیل مقایسه‌ای مطالعه‌های موردی در گزیده‌ای از پژوهش‌های پیشین، و داده‌های گردآوری‌شده بر پایه تازه‌ترین افکارسنجی‌ها و شاخص‌های ادراک شهروندان از حکمرانی و امنیت برای درس‌آموزی از تجربه کشورهایی که حکمرانی خوب امنیتی را برگزیده‌اند، استفاده می‌شود، و پیشنهادهای سیاستی مؤثری برای مبارزه با چالش‌های امنیتی عمومی مردم-محور ارائه می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: الگوهای حکمرانی، امنیت انسانی، چالش‌های امنیتی نوین، حکمرانی خوب بخش امنیتی

* **استاد:** لطفیان، سعیده؛ محمد براتیان. (۱۴۰۲، زمستان) «امنیت عمومی مردم‌محور و حکمرانی امنیتی خوب: درس‌آموزی برای ارائه پیشنهادهای سیاستی» فصلنامه سیاست، ۵۳، ۴: ۷۹۰-۷۶۱. <DOI: 10.22059/JPPQ.2024.370801.1008154>

تاریخ دریافت: ۲۵ خرداد ۱۴۰۲، تاریخ بازنگری: ۱۷ اسفند ۱۴۰۲، تاریخ تصویب: ۲۱ اسفند ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲.



۱. مقدمه

یکی از اهداف اصلی این نوشتار، بررسی راهبردها و الگوهای مختلف حکمرانی با هدف تبیین الگوی مطلوب حکمرانی امنیتی، با تأکید بر امنیت عمومی انسان محور است. بسیاری از دولت‌ها با هر نوع رژیم سیاسی، از دید مردم دچار نارسایی‌های مختلف حکمرانی هستند؛ و تنها برخی از رهبران سیاسی علاقه‌مند به رویه‌های دموکراتیک دادمنشانه، برای رسیدگی و بهبود عملکرد ضعیف خود تلاش کرده‌اند. کیفیت ضعیف حکمرانی و سیاستگذاری ناموفق بر ارزیابی شهروندان نسبت به مشروعیت رژیم تأثیر می‌گذارد، و گسترش ناخشنودی و کاهش مشروعیت می‌تواند سرانجام بر ثبات رژیم تأثیر منفی داشته باشد. آگاهی از دیدگاه‌های مردم می‌تواند به ارتقای عملکرد کلی دولت و نیز موفقیت حکمرانی امنیتی کمک کند. یافته‌های پیمایش‌های اخیر (همچون افکارسنجی‌های جهانی گالوپ و لوید، 2023; Gallup, 2023) نشان می‌دهند که بیشتر شهروندان به شفافیت، حکمرانی خوب و فرصت‌های مشارکت عمومی در تدوین سیاست‌ها اهمیت می‌دهند. آسیب‌پذیری اجتماعی-اقتصادی به بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت می‌انجامد. بی‌گمان پیامدهای بالقوه ناخشنودی و کاهش اعتماد عمومی برای ثبات رژیم به ویژگی‌های ساختار سیاسی و حکمرانی بستگی دارد. آشکار است که افزایش فساد بی‌اعتمادی به رهبران سیاسی، نهادهای دولتی و کارمندان دولت را برمی‌انگیزد.

افزون بر مقایسه الگوهای حکمرانی مختلف و شناسایی الگوی حکمرانی امنیتی مطلوب برای کمک به توسعه پایدار و بهبود امنیت عمومی، اهداف دیگر در این پژوهش عبارت‌اند از: شناسایی موضوع‌های نوین پژوهشی در زمینه سیاستگذاری امنیتی و حکمرانی خوب بخش امنیتی؛ درس‌آموزی^۱ از سیاستگذاری امنیت عمومی و تجربه‌های موفق و ناموفق در کشورهای مختلف؛ ارائه پیشنهادها و سیاستی به سیاستگذاران و کارگزاران در گزینش راهبرد مناسب برای تأمین امنیت عمومی در موقعیت‌های مختلف برای مبارزه با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی. در پی دگرگونی‌های جدی در محیط امنیتی ملی و بین‌المللی، جامعه جهانی به پارادایم نوین امنیتی نیاز دارد که در آن سیاستگذاری امنیتی مردم‌محور، و نه با محوریت دولت‌ها باشد. در تفکر سنتی درباره امنیت، دولت به‌طور انحصاری حقوق و ابزار حفظ امنیت شهروندان را در اختیار داشت. دولت‌ها همچنان تأمین‌کننده بنیادین امنیت مردم به‌شمار می‌آیند، ولی در بیشتر موارد به مسئولیت‌ها و تعهدهای امنیتی خود پایبند نیستند و گاهی با سیاست‌های نادرست ایجادکننده تهدیدهای امنیت فردی هستند. کمیسیون امنیت انسانی^۲ سازمان ملل در آغاز سده بیست‌ویکم با اشاره به اینکه در مواردی «دشمن از درون دولت» برخاسته و با ایجاد شرایط

1. Lesson Learning or Lesson Drawing
2. Commission On Human Security

نامطلوب مردم را به زندگی در ناامنی مزمن محکوم کرده است، هشدار داد که باید به جای تأکید بر امنیت ملی (امنیت رژیم) به امنیت انسانی توجه شود (Commission, 2003: 2-3). از آنجایی که ناامنی به کندی روند توسعه می‌انجامد، ولی توسعه احتمال بروز جنگ و گسترش ناامنی را کمتر می‌کند، گفتمان مربوط به رابطه «امنیت-توسعه» دگرگون شده است. همبستگی این دو مفهوم با مفاهیم امنیت انسانی و توسعه انسانی و اثربخشی متقابل بر این فرض قرار دارد که اگر امنیت و توسعه بر فرد متمرکز باشد، معنای بهتری پیدا می‌کند و باید مباحث امنیت و توسعه به سطح فرد کشیده شوند. افزون بر این، در دوران پساجنگ سرد، دامنه تحلیل در مطالعات امنیتی به دو شکل گسترده‌تر شده است: الف) تمرکز بر مسائل غیرنظامی همچون امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت محیط‌زیستی، امنیت سایبری و غیره؛ و ب) تحلیل نقش کنشگران غیردولتی. دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در حال از دست دادن انحصار قدرت و نفوذ خود در نظام بین‌المللی در حال دگرگونی هستند.

پرسش‌های پژوهشی اصلی و فرعی به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. چگونه می‌توان در چارچوب نظریه حکمرانی خوب بخش امنیتی، به تأمین امنیت عمومی مردم محور کمک کرد؟ ۲. چرا همبستگی امنیت-توسعه-مردم‌سالاری باید در سیاستگذاری امنیتی مردم محور در نظر گرفته شوند؟ ۳. برای رویارویی با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی در محیط‌های امنیت ملی و بین‌المللی ناپایدار چه درس‌هایی از الگوهای حکمرانی می‌توان آموخت؟ در فرضیه اصلی استدلال می‌شود که حکمرانی خوب بخش امنیتی (با ویژگی‌های مهم پرهیز از دولت‌محوری، مشارکت معنادار همه کنشگران دولتی و غیردولتی، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی شفاف، اثربخشی دادگراانه و فراگیر) به موفقیت بیشتر در سیاست‌های تأمین امنیت عمومی انسان محور می‌انجامد. افزون بر داده‌های گردآوری شده از تازه‌ترین پژوهش‌های علمی و گزارش‌های بین‌المللی (همچون گزارش‌های نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل با کارویژه مربوط به سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های بهبود امنیت و توسعه انسانی)، اطلاعاتی درباره سیاست‌ها و برنامه‌های برخی دولت‌ها (همچون اسناد مربوط به سیاست‌های امنیتی) از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نهادهای ملی گرفته شد و با رویکردی کیفی بررسی و تبیین شدند. اثرگذاری عوامل تعیین‌کننده ماهیت امنیت عمومی با تحلیل مقایسه‌ای مطالعه‌های موردی در گزیده‌ای از پژوهش‌های پیشین، و با تحلیل داده‌های گردآوری شده بر پایه تازه‌ترین افکارسنجی‌ها و شاخص‌های ادراک شهروندان از حکمرانی و امنیت بررسی شدند. درس‌آموزی از موفقیت کشورهایی که سیاست‌گذاری مردم محور را برگزیده و در عمل به کار گرفته‌اند، چارچوبی برای پیشنهاد های سیاستی مؤثر برای مبارزه با چالش‌های امنیت عمومی با حکمرانی خوب امنیتی خواهد بود. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که ماهیت چالش و تهدیدهای امنیتی به سرعت

در حال دگرگونی است و حکمرانی بخش امنیتی نمی‌تواند در انحصار واپایش دولت بماند. کاربرد زور و نظامی شدن نیروهای انتظامی برای رویارویی با تهدیدهای امنیتی نوین مناسب نبوده، و موفقیت سیاست تأمین امنیت عمومی (با محوریت انسان) به شکل سلسله‌مراتبی زورگویانه و غیرتعاملی (یکسویه از بالا به پایین) به‌ویژه برای رویارویی با چالش گسترش فناوری‌های نوین (اثرگذاری بر امنیت سایبری، دروغ‌پراکنی برای تغییر افکار عمومی و فعالیت شبکه‌های مافیایی و تروریستی) امکان‌پذیر نیست.

استدلال نگارندگان در چند بخش ارائه می‌شود؛ نخست، حاشیه‌ای بودن مباحث امنیت عمومی مردم‌محور در سیاستگذاری امنیت ملی مطرح شده، و از این رو بر لزوم توجه ویژه سیاستگذاران به رویارویی با چالش‌های تازه‌برآمده و تهدیدکننده امنیت شهروندان تأکید می‌شود؛ دوم، مهم‌ترین پژوهش‌های چندرشته‌ای درباره حکمرانی به‌ویژه ادبیات مربوط به حکمرانی امنیتی^۱ برای شناخت الگوی مطلوب واکاوی می‌شوند. الگوها و ابعاد حکمرانی، راهکارهای مؤثر برای اجرای حکمرانی امنیتی خوب، و تأمین امنیت عمومی انسان‌محور در برابر تهدیدهای جدی با بررسی فرضیه‌ها و نظریه‌های مهم درباره مفاهیم حکمرانی و امنیت تبیین خواهند شد. امنیت مفهومی چندبعدی است و سیاست‌های امنیتی باید با دگرگونی‌ها در محیط‌های مختلف از سیاسی و فرهنگی گرفته تا اقتصادی و اجتماعی، در سطوح خرد و کلان (درب‌گیرنده فردی، زیر ملی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) سازگار شوند؛ سوم، با استخراج آموزه‌های مفید از پیروزی و شکست سیاستگذاری امنیتی در مطالعات پیشین و تجربه‌های برخی کشورها، فهرستی از پیشنهادهایی برای دستیابی به اهداف سیاست‌های امنیت عمومی مردم‌محور مؤثر در برابر تهدیدهای سنتی و نوپیدای امنیتی ارائه می‌شود. بسیاری از این پیشنهادهای سیاستی برای کارگزاران و دست‌اندرکاران و نیز پژوهشگران در مطالعات آینده فراگرد شده است.

۲. پیشینه پژوهش‌های نظری و تجربی

گلچینی از ایده‌ها و نظریه‌های مبتنی بر تجربه‌های شخصی، دانش علمی و دیدگاه‌های کارشناسانه دامنه گسترده‌ای از پژوهشگرانی ارائه خواهد شد که این موضوع را از دیدگاه دولت‌ها و/یا شهروندان بررسی کرده‌اند. هم دانش نظری و هم دانش عملی ارزشمندند و می‌توانند به موفقیت در شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های امنیت عمومی کمک کنند. پیشنهادهای سیاستی برگرفته از مطالعه‌های تک-موردی و موردی مقایسه‌ای برای درک بهتر

راه حل های بالقوه برای مشکلات پیچیده و پلید^۱ سودمند خواهد بود. جای تلاش بیشتر برای پژوهش های بنیادی و کاربردی در زمینه امنیت در هر سطحی به ویژه برای رویارویی با چالش های زیان بخش برای امنیت انسانی وجود دارد. گرچه پژوهش های زیادی درباره پیش شرط های توسعه و امنیت، تأثیر توسعه اقتصادی بر امنیت ملی، و همچنین همبستگی مردم سالاری و امنیت ملی انجام شده است، ولی درباره رابطه الگوی حکمرانی و امنیت در سطح فردی (امنیت انسانی) اطلاعات کمتری وجود دارد. وانگهی به همبستگی متقابل «حکمرانی خوب-مردم سالاری-توسعه پایدار-امنیت عمومی مردم محور» توجه کافی نشده است. امنیت پیش شرط توسعه پایدار است، توسعه نیروی محرکه امنیت است، مردم سالاری پشتوانه حکمرانی خوب است، و امنیت عمومی مردم محور در گروه حکمرانی خوب امنیتی است. در تازه ترین گزارش های نهادهای ویژه سازمان ملل^۲ بر موارد زیر تأکید شده است: آگاهی از همبستگی و تأثیر پذیری غیر مستقیم عوامل مختلف، نیاز به یادگیری و سازگاری به دلیل پیچیدگی مسائل، توسعه محور بودن بیشتر نامی ها، توجه به نامی های ذهنی و پریشانی روانی، بهبود و جهان شمولی خدمات درمانی، نیاز به مطالعه فرهنگ ها و تغییر پذیری آنها، تهدید پوپولیسم، نیاز به اصلاح رسانه های اجتماعی و نقش محوری حقوق بشر. سیاستگذاران بیشتر با تصمیم گیری در شرایط دشوار خطر پذیری زیاد، و محدودیت های بودجه ای و زمانی مواجه اند و از اهمیت آمادگی برای چالش های امنیتی آینده شناخت کافی ندارند.

۱.۲. چالش ها و تهدید های امنیتی با تأکید بر امنیت عمومی از دیدگاه شماری از دولت ها
کاتزنشتاین در دهه ۱۹۹۰ پیش بینی کرد که بحث های نظری در بین طرفداران دیدگاه سازه انگاری یا جامعه شناختی یا اقتصادی یا خردگرایی، پسانوگرایی در حوزه های مطالعات امنیتی و راهبردی، چه بسا به گسترش دامنه رویکردهای تحلیلی منجر شود. وی دلیل نخست این تحول را تغییر نسلی معرفی کرد، برای اینکه تجربه سیاسی پژوهشگران جوان در جنگ جهانی دوم یا جنگ سرد شکل نگرفته، و چه بسا بتوانند به آزمون طیف گسترده تری از نظریه ها برای درک واقعیت های سیاسی نو بپردازند. دلیل دوم، گستردگی ژئوپلیتیکی مراکز یادگیری و نوآوری های فکری در دنیای کثرت گراتر عنوان شد. پژوهشگران و سیاستگذاران اروپایی و آسیایی از مباحث در محافل علمی و سیاسی امریکا درباره اینکه آیا تعریف امنیت باید تنها به مسائل نظامی محدود شود یا مسائل دیگر (مانند اقتصادی و اجتماعی) را در برگیرد،

1. Wicked Problems

۱. شرح کامل تری از مباحث در این آثار همچون گزارش های ادواری برنامه توسعه *Human Development Report* و پرکاربردترین تعاریف مفاهیم اصلی در پژوهش های پیشین در پیوست آورده شده است.

شگفت‌زده‌اند (Katzenstein, 1996: 526). از دیدگاه غیرامریکایی، باید دامنه مطالعات امنیتی گسترده باشد و مسائل نظامی و غیرنظامی را در برداشته باشد.

در گزارش ارزیابی تهدیدهای داخلی سازمان اطلاعاتی وزارت امنیت داخلی، یکی از اولویت‌های این نهاد^۱ تضمین امنیت و ایمنی مردم امریکا معرفی شده است. در مأموریت امنیت و ایمنی عمومی^۲، تهدیدهای مرگبار در قلمروی امریکا، دربرگیرنده تروریسم، داروهای غیرقانونی و تلاش‌های دولت‌های دیگر برای اثرگذاری بدخواهانه بر مخاطبان ایالات متحده به‌عنوان تهدیدهای اصلی امنیت ملی در نظر گرفته شده است. گروه‌های تروریستی خارجی همچون القاعده و داعش به‌دنبال بازسازی فعالیت‌های خود هستند و شبکه‌های جهانی هواخواهان خود را حفظ می‌کنند تا بتوانند امریکا را هدف قرار دهند. پیش‌بینی می‌شود که مواد مخدر غیرقانونی تولیدشده در مکزیک و واردشده به امریکا بیش از هر تهدید دیگری به کشتن امریکایی‌ها منتهی شود. دشمنان داخلی و خارجی شاید در سال آینده زیرساخت‌های مهم امریکایی را هدف قرار دهند. دگرگونی‌های اقلیمی، بلایای طبیعی و پیشرفت‌های فناورانه به تشدید این تهدیدها منجر می‌شود. بلایای مرتبط با آب‌وهوا، همچون گرمای زیاد، خشکسالی، آتش‌سوزی‌های جنگلی، طوفان‌های ساحلی و سیل، پتانسیل ایجاد نابسامانی در اقتصاد منطقه، تقویت بحران‌های بهداشت عمومی همچون شیوع بیماری‌های همه‌گیر را دارند. افزون بر این، دولت‌های ملی که به‌دنبال تضعیف اعتماد به نهادهای دولتی، انسجام اجتماعی و فرایندهای سیاسی امریکا هستند، از هوش مصنوعی^۳ برای ایجاد پویش‌های گمراه‌کننده و اطلاعات نادرست باورپذیرتر استفاده می‌کنند، درحالی‌که کنشگران سایبری از هوش مصنوعی برای توسعه ابزارها و راه‌های نو بهره‌گیری می‌کنند که به آنها امکان می‌دهد قربانیان بیشتری را به دام بیندازند و حمله‌های سایبری در مقیاس بزرگ‌تر، سریع‌تر، کارآمدتر و گریزگرا تر را انجام دهند (U.S. Department of Homeland, 2024: 1-5).

وزارت امنیت عمومی^۴ جمهوری خلق چین نهادی زیر نظر شورای دولتی است که مسئولیت امنیت عمومی کشور را بر عهده دارد. مسئولیت‌های نهادهای امنیت عمومی در چین عبارت‌اند از: پیشگیری و مبارزه با فعالیت‌های مجرمانه و تروریستی، حفظ ثبات و نظم، مدیریت حمل‌ونقل، آتش‌نشانی و مواد خطرناک، حفظ امنیت مرزها، محافظت از افراد، امکان و تأسیسات تعیین‌شده از سوی دولت، مدیریت اجتماعات و اعتراض‌ها، ثبت‌نام خانوارها، رسیدگی به وضعیت ورود و خروج اتباع چینی و خارجی، واپایش شبکه‌های اطلاعات

1. Department of Homeland Security (DHS)

2. Public Safety and Security Mission

3. Artificial Intelligence (AI)

4. Ministry of Public Security (MPS)

عمومی، نظارت بر امنیت نهادهای دولتی و اجتماعی و شرکت‌ها و مدیریت کمیسیون‌های امنیت جامعه (People's Republic of China, 2014). سندی نیز برای یکپارچه‌سازی و بهبود نظام فرماندهی امداد رسانی به نام «طرح اضطراری ملی امداد رسانی بلایای طبیعی»^۱ تصویب شده است تا به پیشگیری و اجرای کارهای نجات و کمک‌رسانی به مردم، بازسازی مناطق آسیب‌دیده و حفظ ثبات اجتماعی رسیدگی شود (Government of China, 2024). جرائم سازمان‌یافته فراملی، به‌ویژه به شکل روندهای شیدای نوین همچون کلاه‌برداری‌های هرمی، کلاه‌برداری از راه دور، جرائم سایبری، جرائم مالکیت معنوی و جرائم محیط‌زیستی در چین پدیدار شده، و چین به کمک دو میلیون افسر پلیس خود در عملیات پلیس جهانی شرکت می‌کند (INTERPOL, 2024b). اجرای سیاست امنیتی ایسلند را شورای حفاظت مدنی و امنیت^۲ زیر نظر دارد. هر کسی حق زندگی، آزادی و امنیت فردی دارد و اهداف اصلی سیاست امنیتی تضمین ایمنی، حفاظت از محیط‌زیست و اموال عموم مردم و هماهنگی اقدامات پیشگیرانه و پاسخ به هر نوع چالش امنیتی دربرگیرنده بلای طبیعی، بیماری همه‌گیر، حمله تروریستی، جنایت سازمان‌یافته بین‌المللی، تهدید محیطی، حادثه اتمی و شیمیایی، تخریب زیرساخت‌های حیاتی (همچون شبکه‌های مخابراتی، انرژی و بانکی)، و برخورد بین‌فرهنگی است (Government of Iceland, 2024). اگرچه ایسلندی‌ها تجربه چشمگیری در مدیریت تهدیدها و خطرهای طبیعی مرتبط با تغییر اقلیم دارند، ولی درباره ذوب یخچال‌های قطبی که در ۱۰۰ تا ۲۰۰ سال آینده کمابیش نابود می‌شوند و اسیدی شدن اقیانوس با تأثیری منفی بر اکوسیستم دریایی نگرانی زیادی دارند. یک چالش امنیتی ویژه فوران آتشفشانی در شبه‌جزیره ریکیانس، گازهای خطرناک آلوده‌کننده هوا و آتش‌سوزی بر اثر گدازه سرازیر شده به مراکز جمعیتی است (Icelandic Met Office, 2018).

در پژوهش‌های پیشین، رابطه چشمگیری بین عملکرد بخش دولتی و میزان اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی مشخص شده است. افراد ساکن کشورهای دارای شاخص‌های حکمرانی بهتر، اعتماد بیشتری به کارمندان دولت دارند (Morelock, 2021: 326). ارزیابی شهروندان از حکمرانی به خشنودی آنها از سطح مردم‌سالاری و توسعه انسانی — بیش از عوامل دیگر همچون اعتماد سیاسی، عدالت انتخاباتی و کارایی سیاسی — بستگی دارد (Ariely, 2013). کاهش زیادی در اعتماد اروپایی‌ها به نهادهای سیاسی از آغاز بحران یورو در ۲۰۰۹ مشاهده شده است؛ البته میزان اعتماد به دولت^۳ در کشورهای مختلف تفاوت داشته و به عوامل اقتصادی، اشتغال و سطح تحصیلات افراد بستگی دارد. شهروندان دارای تحصیلات

1. National Natural Disaster Relief Emergency Plan
2. Civil Protection and Security Council
3. Trust in Government

بیشتر و سطح مهارت‌های بالاتر، نسبت به افراد دیگری که از همگرایی اروپایی سود کمتری برده‌اند، به دولت بیشتر اعتماد دارند. ساکنان کشورهای دارای نرخ بیکاری بالا نیز نسبت به کشورهای که در این بحران اقتصادی وضعیت بهتری داشته‌اند، کمتر به دولت اعتماد می‌کنند، درحالی‌که بیکاران به میزان بیشتری اعتماد خود را از دست داده‌اند. عوامل فرهنگی، ارزشی و سیاسی بر تغییر میزان اعتماد اثر دارند، ولی به نظر می‌آید که عوامل اقتصادی برای تبیین کاهش شدید و ناهمگون اعتماد شهروندان مهم‌تر باشند (Foster and Frieden, 2017). بر پایه نظرسنجی‌هایی انجام‌گرفته برای ارزیابی احساس ناامنی افراد در کشورهای مختلف در ۲۰۲۱، شمار افرادی که به دلیل افزایش جرم و جنایت از خانه بیرون رفتن در شب می‌ترسیدند، کاهش یافته بود (Lloyd, 2023: 2-3). رشد اقتصادی و ثبات سیاسی و اجتماعی می‌تواند از عوامل مؤثر در بهبود احساس خوشبختی و امنیت عمومی باشد.^۱

از آنجایی که احساس ناامنی، نگرانی و خشم شهروندان در کشورهای توسعه‌یافته‌تر گاهی بیش از مردم در کشورهای کمتر توسعه‌یافته است، باید به تأثیر عوامل غیراقتصادی در ناامنی واقعی و ادراکی توجه شود. گزارش سالانه «احساسات جهانی» گلوب دربارۀ تجربه روزانه مثبت و منفی افراد در بیش از ۱۴۰ کشور در ۲۰۱۸ (Gallup, 2019) آشکار می‌کند که نزدیک به نیمی (۴۵ درصد) از آمریکایی‌ها احساس نگرانی زیاد، و بیش از یک از هر پنج نفر (۲۲ درصد) احساس خشم زیاد داشتند. حدود یک‌سوم مردم در ۱۴۳ کشور بررسی‌شده دارای تجربه منفی اندوه و استرس بودند، ولی آمریکایی‌ها حتی بیش از ساکنان چاد (اندوهگین‌ترین مردم جهان در ۲۰۱۸) در معرض استرس و نگرانی بودند. درصد افرادی که تجربه استرس در ۲۰۱۸ داشتند، در آمریکا ۵۵ درصد و در چاد ۵۱ درصد بود. درصد افرادی که احساس خشم داشتند، در فلسطین ۴۳ درصد، ایران ۴۳ درصد، عراق ۴۴ درصد و ارمنستان ۴۵ درصد بود (Ray, 2019).

شوک‌های ناشی از بحران مالی در ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ و همه‌گیری کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ افزایش مشکلات سلامت روان و پریشانی عاطفی^۲ را برانگیخت. دالی و ماکیا با استفاده از داده‌های نظرسنجی سالانه دربارۀ تجربه نگرانی، اندوه، استرس یا خشم زیاد از ۱/۵۳ میلیون نفر در ۱۱۳ کشور از ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۱، گسترش احساس پریشانی عاطفی از ۲۵ به ۳۱ درصد را بین این دو سال نشان دادند. شواهد حاکی از بیشترین افزایش پریشانی در افراد دارای سطح

۱. یافته‌های پژوهشی پیمایشی دربارۀ تأثیر وضعیت اقتصادی کشورها بر رفاه افراد و خوشنودی از زندگی که با مصاحبه با ۱۵۲۴۴ دانشجو در ۶۲ کشور در ۲۰۲۰-۲۰۱۹ انجام شد، نشان داد که مردم کشورهای توسعه‌یافته‌تر احساس مثبت‌تری از زندگی و خوشبختی بیشتری نسبت به مردم کشورهای کم‌برخوردار دارند (Gardine, 2023).

2. Emotional Distress

تحصیلات و درآمد کم، و افزایش چشمگیر در ایالات متحده و انگلستان است (Daly and Macchia, 2023). انسجام اجتماعی^۱ مستلزم مدارا و دگراندیش پذیری با احترام به تنوع (از نظر مذهب، قومیت، وضعیت اقتصادی، ارزش‌های سیاسی، جنسیت و سن) به شکل نهادی و نیز فردی است. سطح اعتماد بین افراد و گروه‌های مختلف در دولت و درون جامعه و تمایل به مشارکت جمعی برای رسیدن به اهداف مشترک صلح، امنیت و توسعه پایدار به اعتماد عمودی (شهروندان به دولت) و افقی (مردم به مردم) بستگی دارد (Sedra, 2022: 15). ترکیبی از رویکردهای امنیتی دولت محور (از بالا به پایین) و راه‌حل‌های مردم محور (از پایین به بالا) برای تعامل، گفت‌وگو و حل مسائل امنیتی مؤثر خواهد بود (Sedra, 2022: 24). سیاست‌های امنیتی باید جامع‌نگر باشند و بر نابودی همه تهدیدهای امنیت فردی متمرکز شوند. با هدف ارتقای شرایط اقتصادی-اجتماعی، سیاسی، محیط‌زیستی، بهداشتی، روانی و عوامل دیگری که بقا و کیفیت زندگی افراد را تضمین می‌کند، دولت‌ها باید گام‌های آگاهانه‌ای را بردارند (Asiimwe, 2023: 3081-3082).

امنیت مردم محور برای مبارزه با هر آنچه به ناامنی در هر سطحی منجر می‌شود، خواه ریشه اقتصادی یا غیراقتصادی داشته باشد، می‌تواند به بهبود امنیت انسانی کمک کند. ویژگی‌های مطلوب حکمرانی مؤثر دربرگیرنده پاسخگویی سیاسی، نمایندگی و حرفه‌ای بودن است که به افزایش اعتماد شهروندان به نهادها و سیاست‌های دولتی کمک می‌کند. رابطه‌ای بین رشد اقتصادی و سطوح بالاتر اعتماد به دولت وجود دارد، درحالی‌که سطوح پایین اعتماد به تضعیف مشروعیت رژیم‌های سیاسی منجر می‌شود و گسترش بی‌اعتمادی به نظام سیاسی و مدیران دولتی حتی موجودیت رژیم را تهدید می‌کند. از آنجایی که بهبود وضعیت اقتصادی مردم نیز اغلب رفاه و محبوبیت رهبران را در بین مردم افزایش می‌دهد، انتخاب الگوی حکمرانی مؤثر برای دولت و شهروندان بااهمیت است.

۳. الگوهای مختلف حکمرانی

ارزیابی شهروندان از موفقیت سیاست‌های عمومی در درون کشورها و نیز بین کشورها متفاوت است.^۲ گوناگونی دیدگاه‌ها در درون کشورها بیشتر تابعی از ویژگی‌های اجتماعی جمعیتی و نگرش‌های سیاسی است. در مقایسه با آن، تفاوت در دیدگاه‌ها در بین کشورها

1. Social Cohesion

۲. شاخص حکمرانی جهانی Global Governance Index ترکیبی از شش شاخص حکمرانی (پاسخگویی؛ ثبات سیاسی و نبود خشونت/تروریسم؛ اثربخشی دولت؛ کیفیت نظارتی؛ حاکمیت قانون؛ فسادزدایی) را در برمی‌گیرد و برای بیش از ۲۰۰ کشور و منطقه در دوره ۲۰۲۲-۱۹۹۶ محاسبه شده است. این بانک داده‌ها از ۱۹۹۹ تاکنون برای سنجش اصلاحات حکمرانی در کشورهای مختلف ارائه شده و هر ساله به‌روزرسانی می‌شود (Kaufman and Kraay, 2023).

بیشتر به کیفیت نهادهای عمومی آن کشور و تا اندازه کمتری، شرایط اقتصادی حاکم بستگی دارد. ارزیابی‌های شهروندان از دولت تنها تحت تأثیر دستاوردهای آشکار سیاست‌های عمومی نیست، بلکه میزان انصاف رویه‌ای، حرفه‌ای بودن^۱ و سلامت اداری (درستکاری) در نهادهای عمومی بر آنها اثر دارد (Aitalieva and Morelock, 2019: 208-212). سطح اعتماد شهروندان به دیوان‌سالاری (بوروکراسی) زمانی بالاتر است که یک اداره دولتی بی‌طرف و بی‌سوگیری وجود داشته باشد (Choi, 2018). خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، به گمانه‌زنی‌هایی درباره کم‌رنگ شدن دولت‌ها و پیدایش مفهوم «حکمرانی بدون دولت»^۲ در دهه ۱۹۹۰ انجامید. هرچند نقش سنتی دولت‌ها برای سازگاری با شرایط اجتماعی-اقتصادی پیچیده دگرگون شده است، ولی نقش برتر دولت در ترتیبات حکمرانی کنونی برجسته مانده است (Capano and et al., 2015: 312-314). دو الگوی حکمرانی چابک و سازگارانه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. راهبردهای حکمرانی همکاری‌محور می‌تواند بر موفقیت نهادهای دولتی برای مدیریت بحران‌ها تأثیری غیرمستقیم داشته باشد (Nolte and Lindenmeier, 2023). دو دیدگاه رقیب برای اجرای سیاست در مدیریت دولتی دیده می‌شود: یکی، از «بالا به پایین» و دیگری از «پایین به بالا». در دیدگاه پایین به بالا تمرکز بر ویژگی‌های کارگزارانی که سیاست‌ها را اجرا می‌کنند، اهمیت بیشتری دارد، چون آنها اغلب آگاهی بیشتری درباره شرایط محلی در زمینه‌های خاص دارند. بنابراین تمرکز بر تعامل سازنده بین کنشگران نهادی در همه سطوح حکمرانی از ملی تا استانی و محلی خواهد بود. ویژگی‌های حکمرانی امنیتی خوب به شرح زیر مشخص می‌شود.

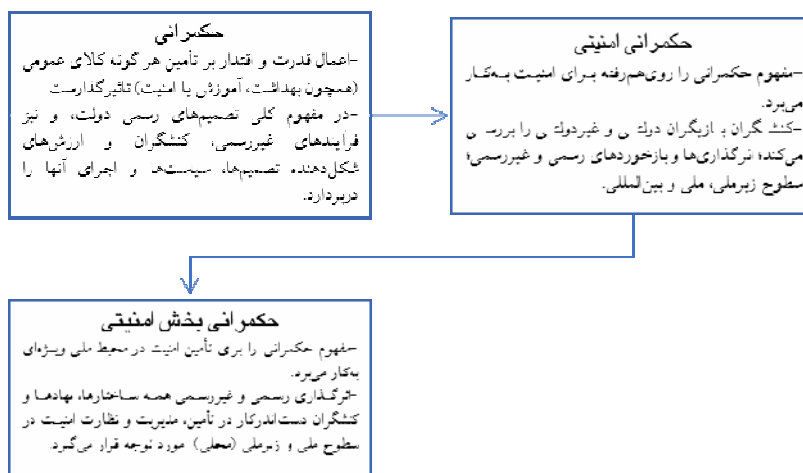
۳.۱. حکمرانی امنیتی خوب

مفهوم انتزاعی حکمرانی می‌تواند برای امنیت به‌طور کلی به‌کار رود تا چگونگی ایفای نقش و اثربخشی کنشگران محلی، ملی و بین‌المللی در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری امنیتی و اجرای آن سیاست‌ها را تبیین کند. حکمرانی امنیتی بر چگونگی عملکرد امنیت به‌طور کلی تمرکز دارد، درحالی‌که حکمرانی بخش امنیتی^۳ به‌طور ویژه به سیاستگذاری در بخش امنیتی یک کشور و سیاست‌های امنیتی و اجرای آنها توجه دارد (به شکل ۱ بنگرید). حکمرانی امنیتی خوب بر پیشگیری و مبارزه با جرم، کاهش سوءرفتار پلیس و سوگیری‌های نژادی، افزایش شفافیت و بهبود روابط پلیس-جامعه و در نهایت افزایش ایمنی جامعه تأکید دارد.

1. Professionalism
2. Governance Without Government
3. Security Sector Governance

حکمرانی خوب بخش امنیتی (حخباً)^۱ به معنای اعمال اصول حکمرانی خوب (مسئولیت پذیری، شفافیت، حاکمیت قانون، مشارکت، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی) در بخش امنیتی یک کشور است. «حباخ» مبتنی بر این ایده است که بخش امنیتی باید بر پایه عالی ترین نمونه های تصویب شده (استانداردهای) ارائه خدمات عمومی باشد. بخش امنیتی متشکل از همه ساختارها، نهادها و افراد مسئول تأمین امنیت، مدیریت و نظارت (و پایش) در سطوح ملی و محلی دربرگیرنده دو دسته زیرند: ۱. تأمین کنندگان امنیتی (همچون نیروهای مسلح، پلیس، مرزبانی، نیروهای اطلاعاتی، نهادهای کیفری^۲ و اصلاحی^۳ و بازپروری^۴ و کنشگران تجاری و غیردولتی امنیتی و بسیاری دیگر)؛ ۲. نهادهای مدیریت و واپایش گری (نظارتی) امنیتی (همچون وزارتخانه های دولتی، مجلس قانون گذاری، نهادهای واپایش گری قانونی ویژه، بخش هایی از قوه قضایی و کنشگران جامعه مدنی (همچون نهادهای زنان و رسانه ها) که به تأمین امنیت عمومی به شکل بهینه تأکید دارند (Geneva Center, 2015: 3).

شکل ۱. حکمرانی، حکمرانی امنیتی و حکمرانی بخش امنیتی



(Source: Geneva Center, 2015: 2)

حکمرانی بخش امنیتی (حبا)، اعمال قدرت و اقتدار را در بخش امنیت ملی ویژه ای توصیف می کند. حکمرانی امنیتی نسخه کلی تری از حکمرانی بخش امنیتی است و اعمال

1. Good Security Sector Governance
2. Penal
3. Corrections
4. Rehabilitation

قدرت و اقتدار را در سطوح خرد و کلان از فردی تا بین‌المللی تبیین می‌کند. حکمرانی بخش امنیتی (حبا) مفهومی برای توصیف واقعیت شیوه عملکرد بخش امنیتی یک کشور است. حکمرانی خوب بخش امنیتی (حخبا) استاندارد هنجاری برای چگونگی تأمین امنیت دولتی و انسانی در نظام سیاسی دموکراتیک است. «حخبا» درباره ارزش‌هاست و به‌طور ویژه بر اعمال اصول حکمرانی خوب برای تأمین امنیت، مدیریت و واپایش در یک محیط ملی تمرکز دارد. مفهوم خوب در حکمرانی خوب بخش امنیتی (حخبا) نشان می‌دهد که چگونه می‌توان بخش امنیتی یک کشور را در چارچوب نظارت غیرنظامی دموکراتیک، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر مؤثرتر و پاسخگوتر کرد. حکمرانی خوب بخش امنیتی (حبا) مفهومی تحلیلی است و ارزیابی نمی‌کند که بخش امنیتی بر پایه اصول حکمرانی خوب یا مردم‌سالاری کار می‌کند یا نه، و بر تعهد به هنجار یا ارزش ویژه‌ای مبتنی نیست. جدول ۱ تفاوت‌های بین این سه مفهوم را خلاصه‌وار ارائه می‌کند.

جدول ۱. تفاوت‌ها بین حکمرانی امنیتی، حکمرانی بخش امنیتی و حکمرانی خوب بخش امنیتی

حکمرانی امنیتی	حکمرانی بخش امنیتی	حکمرانی خوب بخش امنیتی
کلی‌تر	→	مشخص‌تر
<i>نوع مفهوم</i>		
مفهومی تحلیلی برای توصیف اینکه چه کسی، چگونه و برای چه هدفی در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی از زور استفاده می‌کند.	مفهومی تحلیلی برای توصیف قوانین، ساختارها و فرآیندهای تأمین، مدیریت و واپایش امنیت دولتی در شرایط زمانی و مکانی ملی.	مفهومی هنجاری برای تعیین اصول و رویه‌های خوب بخش امنیتی که در شرایط زمانی و مکانی (محیط) ملی به‌خوبی اداره می‌شود.
<i>تمرکز تحلیل</i>		
چرا و چگونه هر کنشگر رسمی یا غیررسمی، دولتی یا غیردولتی، عمومی، خصوصی یا تجاری، از زور برای واپایش و فرمانگری استفاده می‌کند.	چرا و چگونه بخش امنیتی یک کشور در فضای ملی دربرگیرنده کنشگران دولتی، خصوصی و تجاری، از زور برای واپایش و فرمانگری استفاده می‌کند.	میزان واپایش (کنترل) غیرنظامی دموکراتیک، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر افراد و گروه‌ها از سوی کنشگران بخش امنیتی دولتی و غیردولتی در فضای ملی.
<i>نوع امنیت</i>		
امکان دارد که بر هرگونه امنیت در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی تمرکز کند.	تمرکز بر امنیت ملی و امنیت انسانی در شرایط زمانی و مکانی ملی.	تمرکز بر بهبود بخشیدن به امنیت ملی و امنیت انسانی با تقویت واپایش غیرنظامی دموکراتیک، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر برای همه افراد و گروه‌ها.

(Source: Geneva Center, 2015: 4)

هنگامی که اصول حکمرانی خوب در بخش امنیتی به‌کار می‌رود، دولت‌ها امنیت مردم را در چارچوب واپایش دموکراتیک، غیرنظامی، مسئولیت‌پذیر، مؤثر، با حاکمیت قانون و احترام

به حقوق بشر تأمین می کنند. حکمرانی خوب بخش امنیتی (حنخبا) مجموعه ای از اصول، و نه یک الگوی نهادی است، بنابراین اصول مشابه حکمرانی خوب در هر بخش امنیتی می تواند متفاوت به کار گرفته شود. تحقق بخشیدن (حنخبا) نیازمند سازگاری همیشگی است، چون چالش ها و تهدیدهای امنیتی از لحاظ نوع، شدت و فوریت پی در پی در حال تغییرند. در نتیجه بخش امنیتی همیشه نیاز به بهبود دارد. اگرچه بخش امنیتی در یک کشور می تواند با تهدیدها و نیازهای متفاوتی نسبت به کشورهای دیگر روبه رو شود، ولی بیشتر ویژگی های نهادی (حنخبا) برای همه یکسان است (Geneva Center, 2015: 5)

۲.۳. حکمرانی امنیتی عمومی و نیروهای مسلح

در ۲۰۲۲، کمابیش سه چهارم از جمعیت بزرگسال در سراسر جهان بیان کردند که به پلیس محلی خود اعتماد دارند. نتایج در مناطق مختلف به طور چشمگیری متفاوت است: پایین ترین درصد (۵۲ درصد) در امریکای لاتین و کارائیب و بیشترین درصد (۸۴ درصد) در آسیای جنوب شرقی مشاهده شد (Gallup, 2023: 10). یک ویژگی نهادی مهم حکمرانی خوب بخش امنیتی (حنخبا) تعریف کاربرد زور در چارچوبی قانونی است، ولی اجرای قانون در چند دهه اخیر به طور فزاینده ای نظامی شده، به طوری که پلیس غیرنظامی بیشتر شبیه نیروهای مسلح فعالیت می کند و یا گاهی نظامیان جایگزین آنها می شوند. نشانه های نظامی شدن امنیت عمومی (همچون گشت زنی سربازان در محله های شهری، حضور نظامیان در صحنه جنایت برای رسیدگی به وضعیت و گردآوری شواهد، گماردن سربازان در مراکز بازرسی در بزرگراه ها) در کشورهای مختلف مشاهده می شود. امریکای لاتین در روند نظامی شدن اجرای قانون پیشگام است، حتی کشورهایی (همچون کاستاریکا و پاناما) که بدون ارتش بوده اند، در حال بررسی طرح هایی برای نظامی کردن نیروهای مجری قانون هستند (Flores-Macias and Zarkin, 2021). در مکزیک، نظامی سازی در ساختار و عملکرد نیروهای امنیتی زیر ملی فزاتر از پویایی های خودکامه محلی که نظامی گری را تقویت می کند، نفوذ داشته است. نظامیان در سطوح و پویایی های مختلف (مدیریت، آموزش و عملیات) نهادهای امنیت عمومی کشور رخنه کرده و این امر پذیرش ویژگی های نظامی رسمی یا غیررسمی را ترویج می کند و به نهادهای پلیس اجازه می دهد که در فعالیت های روزمره خود شبیه ارتش عمل کنند (Oñate and Pérez Ricart, 2023).

همان طور که در جدول ۲ نشان داده می شود، انواع مختلف اجرای قانون نظامی شده در عمل یک زنجیره را تشکیل می دهند، و عبارت اند از:

■ در انتهای طیف غیرنظامی، پلیس غیرنظامی به یک مقام غیرنظامی گزارش می‌دهد و از قانون مدنی پیروی می‌کند؛ برای کاربرد زور تنها در صورت نبود راه چاره جایگزین آموزش دیده‌اند، از فرمان «خدمت‌کن و در امان‌نگهدار»^۱ پیروی می‌کنند، بیشتر در ساختارهای سلسله‌مراتبی پایین سازماندهی شده و بر نظم و امنیت جامعه‌محور تمرکز می‌کنند؛

■ در سوی مخالف پلیس نظامی قرار دارد که برخی از ویژگی‌های آن (همچون حوزه اختیارات غیرنظامی و ساختار سلسله‌مراتبی پایین) شبیه همتایان غیرنظامی‌اش است، ولی بر سلاح‌ها و سازوبرگ‌های نظامی، تشکیلات و فنون نظامی اتکا دارد. برای نمونه می‌توان به پیوستن روزافزون نیروهای ویژه (سوات)^۲ به مأموران پلیس ایالتی و محلی در امریکا، و واحدهای واکنش فوری در نیروهای پلیس ملی و زیر ملی در امریکای لاتین اشاره کرد؛

■ نوع دیگر پلیس شبه‌نظامی است که به شکل الگوی سبک ژاندارمری اکنون مشاهده نمی‌شود، ولی نیروهای شبه‌نظامی تا اندازه‌ای از شیوه‌های ویژه نیروهای مسلح استفاده می‌کنند. از روش کاربرد غیرمرگبار زور بهره می‌گیرند و در بیشتر موارد از قانون غیرنظامی پیروی می‌کنند، ولی به سلاح‌ها و سازوبرگ‌های نظامی تکیه می‌کنند، در ساختار سلسله‌مراتبی تری دارند، بر پایه تاکتیک‌ها و یگان‌های نظامی عمل می‌کنند و حتی برخی از آنها به وزارت دفاع گزارش می‌دهند. نمونه‌هایی از آنها در اسپانیا^۳، برزیل^۴، شیلی^۵ و فرانسه^۶ وجود دارد؛

■ در افراطی‌ترین شکل نظامی‌سازی اجرای قانون، نیروهای مسلح خود وظایف ایمنی عمومی را از جمله پیشگیری از جرم (گشت‌های امنیتی)، مبارزه با جرم و جنایت (ریشه‌کنی و جلوگیری از تولید مواد مخدر، توقیف مواد مخدر و اسلحه قاچاق، جست‌وجو و دستگیری، گردآوری شواهد و بازجویی و امنیت زندان‌ها) بر عهده می‌گیرند. نیروی انتظامی نظامی شده به وزارت دفاع گزارش می‌دهد، بر پایه قوانین نظامی عمل می‌کند، از ساختار سلسله‌مراتبی دقیقی پیروی می‌کند، به مخرب‌ترین سلاح‌های مرگبار دسترسی کامل دارد و بر پایه فرمان «درگیر شو و نابود کن»^۷ آموزش می‌بینند. نمونه‌هایی از پاسبانی نظامی در نیروهای مسلح پرو در دوره‌ای از دولت فوجیموری^۸، و عملیات ادواری مبارزه با جرم و جنایت از سوی نیروهای مسلح هندوراس و مکزیک دیده شده است. پلیس شبه‌نظامی چه‌بسا در برخی کشورها زیر نظر

1. Serve and Protect

۲. سلاح‌ها و فنون ویژه Special Weapons and Tactics (SWAT) واحدی شبه‌ارتش در نیروهای پلیس امریکا و آموزش دیده برای مبارزه در موقعیت‌های پرخطر ویژه همچون رهایی گروگان‌ها و عملیات ضدشورش است.

3. Guardia Civil
4. Policía Militar
5. Carabineros
6. Gendarmerie Nationale
7. Engage-and-destroy
8. Alberto Fujimori

وزارت دفاع باشد، ولی در کشور دیگری زیر نظر وزارت کشور یا وزارت امنیت عمومی باشد. افزون بر این، به ندرت کشورها تنها به یک نوع نیروی انتظامی (پلیس) تکیه می کنند. در واقع، چندین گونه (همچون پلیس شهری غیرنظامی و پلیس ایالتی نظامی) می توانند به طور همزمان مأمور اجرای قانون باشند (Flores-Macias and Zarkin, 2021).

جدول ۲. نوع نیروهای پلیس بر مبنای میزان نظامی شدن

ویژگی / نوع نیروی اجرای قانون	پلیس غیرنظامی	پلیس نظامی شده ^۲	پلیس شبه نظامی	نیروی نظامی پاسبان شده ^۱
پاسخگویی	قوانین مدنی	قوانین مدنی	قوانین مدنی (به جز موارد استثنائی)	قوانین نظامی (به جز موارد استثنائی)
دسترسی به سلاح ها و سازوکارهای نظامی سنگین تر	دسترسی ندارد	دسترسی محدود	دسترسی محدود	دسترسی کامل
آموزش برای	حفظ نظم عمومی (تمرکز بر توسعه جامعه و کاربرد زور به عنوان آخرین راه)	حفظ نظم عمومی (کاربرد غیرکشنده از زور)	حفظ نظم عمومی (کاربرد غیرکشنده از زور)	درگیر شدن و نابودی
ساختار سازمانی	میزان تمرکز، سلسله مراتب	متوسط	زیاد	زیاد
فرماندهی	از پایین به بالا	از پایین به بالا	از بالا به پایین	از بالا به پایین
نوع استقرار نیروها	گروه های کوچک	گروه های کوچک، واحدهای سازمان یافته	واحدهای سازمان یافته	واحدهای سازمان یافته

(Source: Flores-Macias and Zarkin, 2021)

نیروهای مسلح دانمارک مسئول حفظ تمامیت ارضی و دفاع قلمرویی است؛ آژانس مدیریت فوریت ها (وضعیت های اضطراری) دانمارک^۳ برای آمادگی در راستای رویارویی با بحران ها، بلایای طبیعی و حوادث بزرگ همچون آتش سوزی، انتشار سموم، بیماری های مسری، تشعشعات الکترومغناطیس و پرتوهای فرابنفش، رانش زمین و سیل و جلوگیری از آنها تلاش می کند. خدمات اجرای قانون امنیت داخلی در دانمارک از سوی پلیس ملی^۴ ارائه

1. Constabularized Military
2. Militarized Police
3. Danish Emergency Management Agency (DEMA)
4. Politiet

می‌شود که بخشی از وزارت دادگستری دانمارک است. یک کمیسر ملی مسئولیت کلی ۱۴ منطقه پلیس کشور دربرگیرنده مناطق قطب شمال، جزایر فارو و گرینلند را بر عهده دارد. نیروهای مسلح در برخی مأموریت‌ها همچون جست‌وجو و نجات، عملیات واپایش‌گری در خشکی و دریا، عملیات ضدتروریسم و حفاظت از محیط‌زیست از نیروهای پلیس پشتیبانی می‌کند. گارد خانگی (میهنی)^۱ با بیش از ۴۰۰۰۰ داوطلب سازماندهی شده در دو بخش نیروی فعال و ذخیره، به پلیس در انجام این وظایف کمک می‌کند، و نقش برجسته‌ای در حفظ آمادگی مناسب برای امدادسانی در شرایط بحرانی در سراسر کشور در زمانی کوتاه ایفا می‌کند (Danish Ministry, 2022; INTERPOL, 2024c).

در برزیل میزان قتل در دهه‌های اخیر افزایش یافته است و امروزه کمابیش سه برابر بیشتر از زمان دیکتاتوری نظامی کشور (۱۹۶۴-۱۹۸۵) است. با کشته شدن سالانه بیش از ۶۰۰۰۰ برزیلی، ترس از جرم و جنایت و یافتن راهکار مبارزه از موضوع‌های سیاسی مهم بوده است. در مبارزه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری برزیل در ۲۰۱۸، نامزدهای انتخاباتی بیشتر درباره پرسش‌های مربوط به استفاده پلیس از زور، و اینکه آیا پلیس باید با خشونت بیشتری با ناامنی عمومی مبارزه کند یا اینکه خشونت پلیس بخش بزرگی از خود مشکل است، سخن می‌گفتند. در امریکای لاتین، این ناامنی تا حدی به پیامدهای ناخواسته کمک‌های پلیس بین‌المللی در دوران جنگ سرد و تقلید از الگوهای ایالات متحده برای جنگ با مواد مخدر و طرح‌های اصلاحی پلیس مربوط می‌شود، که برای کنترل جرائم کافی نبود، برای اینکه راهبرد واحدی برای همه کشورها بی‌توجه به واقعیت‌های محلی موفق نخواهد بود (Cavalcanti and Garman, 2020: 104-105). اگرچه از ۱۸۰۸ یک شاخه نظامی پلیس در برزیل وجود داشته است، ولی تنها در زمان دیکتاتوری نظامی بود که همه شاخه‌های پلیس زیر نظر مستقیم ارتش قرار گرفتند. پلیس غیرنظامی از آن زمان مسئولیت کارآگاهی و بازجویی را بر عهده داشته و پلیس نظامی مسئول گشت‌زنی در خیابان‌ها و سرکوب مجرمان بوده است. دستاوردهای این رویه این بود که پلیس در سرکوب اعتراض عمومی، اعتصاب‌ها، تجمع سیاسی و شورش‌ها خشن‌تر عمل کند، دموکراسی ریشه‌کن شود و دیکتاتوری سرکوبگر بتواند ۲۱ سال در قدرت بماند (Cavalcanti and Garman, 2020: 107-108).

قاچاق مواد مخدر و اسلحه و درگیری بر سر زمین به افزایش میزان قتل در برزیل منجر می‌شوند. درک روندهای بلندمدت مکانی و زمانی و عوامل ساختاری اجتماعی مرتبط با این مشکل برای طراحی سیاست‌هایی با هدف کاهش نرخ قتل مفید خواهد بود (Nsoesie and *et al.*, 2020). با وجود گذار از یک حکومت نظامی اقتدارگرا، و بازنگری در نقش‌های نظامی در

جامعه، نیروهای مسلح هنوز در حکمرانی نقش دارند (De Carvalho and Lima, 2023). در ۲۰۱۸، رئیس جمهور برزیل ایجاد وزارت امنیت عمومی^۱ مشابه با وزارت کشور را برای هماهنگی امنیت در کشور پس از واگذاری واپایش امنیت در ایالت ریو به ارتش اعلام کرد. گشت های ارتش برای مبارزه با باندهای جنایت سازمان یافته در ریو مأموریت دارند (Brazil to get, 2018). دو وزارت دادگستری و امنیت عمومی مسئولیت تدوین و اجرای قوانین مربوط به دفاع اجتماعی، امنیت عمومی و عدالت را دارند. مسئولیت اجرای قانون در برزیل به چند نهاد فدرال و ایالتی داده شده است. پلیس فدرال، پلیس بزرگراه فدرال، پلیس راه آهن فدرال، پلیس نظامی و آتش نشانی ایالتی، پلیس مدنی ایالتی بخشی از نیروهای انتظامی برزیل زیر فرمان وزیر دادگستری و وزیر امنیت عمومی اند (INTERPOL, 2024a).

خطرپذیری نظامی شدن امنیت عمومی در سطوح محلی، زیر ملی و منطقه ای را نباید نادیده گرفت. نیروهای مسلح نباید مسئولیت نهادهای غیر نظامی مجری قانون را عهده دار باشند.^۲ شواهد ناچیزی وجود دارد که نشان دهد مشارکت ارتش در اجرای قانون به کاهش سطح تولید، قاچاق یا مصرف مواد مخدر بینجامد، دولت ها باید افزون بر اصلاح جامع نیروی انتظامی و مراجع قضایی خود به حل مشکلات بلندمدت دربرگیرنده نابرابری درآمد، فرصت های تحصیلی و شغلی که از علل موج خشونت جنایی در دو دهه اخیر به شمار می آیند، توجه کنند. وگرنه انتقال سربازان از پادگان ها به خیابان ها می تواند به تضعیف حاکمیت قانون (که از دلایل اصلی ارتکاب جرم است) و افزایش کیفرناپذیری (بخشودگی از تنبیه) بینجامد (FloresMacías and Zarkin, 2021). بحث بر سر بهترین نیروی انتظامی در جامعه مدرن و جلوگیری از کاربرد زور پلیس نظامی شده و خصوصی سازی خدمات پلیسی ادامه دارد.

۴. درس آموزی از سیاست های امنیتی موفق

تلاش برای درس آموزی از گذشته بیشتر بر موارد شکست سیاست^۳ تمرکز داشت، هرچند می توان از موفقیت سیاستگذاران نیز درس آموخت.^۴ شناخت دلایل شکست مهم است، ولی در روزگار کاهش اعتماد به دولت پاسخ به چرایی و چگونگی طراحی و اجرای مؤثر سیاست سودمند است (Luetjens

1. Ministry of the Public Security (Portuguese: Ministério da Segurança Pública)

۲. این بدان معنا نیست که نیروهای مسلح هرگز نباید به مبارزه با جرائم کمک کنند، چون همکاری نظامیان با نیروهای انتظامی گاهی سودمند بوده، و برخی مأموریت های پلیسی همچون عملیات هدف گیری با ارزش High-Value Targeting Operations بیشتر شبیه وظایفی است که نیروهای مسلح برای آنها آموزش دیده اند. به هر حال، مشارکت ارتش در عملیات حفظ امنیت عمومی و داخلی باید از نظر مکانی و زمانی محدود شده، و همزمان نیروهای پلیس محلی و قوه قضاییه تقویت شوند (Flores-Macías and Zarkin, 2023: 22-23).

3. Policy Failure

۴. برای شرح پانزده مورد موفقیت بزرگ سیاست از چرخش اقتصادی آلمان و نیوزلند و مبارزه با فقر در برزیل گرفته تا ایجاد صندوق نفت نروژ (بزرگ ترین صندوق بازنشستگی ملی جهان) و نظام آموزشی فنلاند مبتنی بر حکمرانی خوب آینده نگر، ر.ک: (Compton and Hart, 2019).

4: 2019, and *et al.*)^۱. برای دستیابی به موفقیت باید به دو جنبه کارشناسی (برای طرح و تدوین، اتخاذ، و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی که تأثیر معناداری بر مشکلات عمومی دارند)؛ سیاسی (برای ایجاد و حفظ ائتلاف بین ذی‌نفعان برای تبلیغ باورپذیر با هدف جلب حمایت مردم و همکاری برای اجرای سیاست‌ها) توجه شود (Compton and Hart, 2019: 2-4). اهداف سیاست چه‌بسا در محدوده زمانی متفاوت باشند و برنامه‌ریزی سیاست‌های اقتصادی، تمایز بین اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مطرح است. پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت شاید در برخی موارد با یکدیگر در تضاد باشند، به طوری که دومی به معکوس یا خنثی شدن اولی بینجامد. برای نمونه برنامه اسکان فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور امریکا برای کارگران سیاه‌پوست کشاورزی نتوانست به اهداف سیاسی کوتاه‌مدت خود دست یابد، ولی پیامد بلندمدت ایجاد طبقه متوسط سیاه‌پوستان را داشت که بعدها به محرک جنبش حقوق مدنی تبدیل شد (Compton and Hart, 2019: 10).

برآورد سیاست‌ها ناگزیر فرایندی چندبعدی، چنددیدگاهی و سیاسی است. دو بعد ارزیابی آغازین عبارت‌اند از: نخست، عملکرد برنامه‌ای یک سیاست (موفقیت مربوط به طراحی برنامه‌های هوشمندی است که به‌درستی تأثیرگذار بر مسائلی باشند که باید با آنها مبارزه کنند، و ارائه این برنامه‌ها به‌گونه‌ای باشد که دستاوردهای اجتماعی باارزشی به‌وجود آورد)؛ دوم، مشروعیت سیاسی یک سیاست (موفقیت به آنچه گفته می‌شود که دستاوردهای اجتماعی مداخله‌سیاستی و نیز روش دستیابی به آنها از سوی ذی‌نفعان مرتبط با توجه به ارزش‌های سیستمی مناسب به‌شمار می‌آیند. رابطه بین این دو بعد ارزیابی سیاست ساده نیست و اغلب ناهمگونی وجود دارد، چون سیاست‌های محبوب از حیث سیاسی می‌تواند از نظر برنامه‌ای مؤثر یا کارآمد نباشند و بر عکس. افزون بر این، به‌ندرت مبنای هنجاری و اطلاعاتی مشترکی برای ارزیابی فرایندهای حکمرانی عملکرد، مشروعیت و پایداری برای همه کنشگران وجود دارد. عوامل متعددی بر باورها و روش‌های قضاوت افراد درباره حکمرانی تأثیرگذارند. ذی‌نفعان ناهمگون دارای ارزش‌ها و منافع متفاوت، به‌گونه‌ای متفاوت یک سیاست را ارزیابی می‌کنند. تکیه بر «حقایق» به‌طور قطعی به حل اختلاف نظرها کمک نمی‌کند، در واقع، همچون سیاست‌گذاری، برآورد سیاست‌ها در بستری از چارچوب‌ها و روایت‌های فرهنگی و سیاسی انجام می‌شود و در رویکرد و پس‌ایندهایش سیاسی است (Compton and Hart, 2019: 4).

تعریف زیر از موفقیت بزرگ سیاست ارائه شده است. یک سیاست زمانی به موفقیت کامل می‌رسد که: الف) دستاوردهای اجتماعی باارزش به‌طور آشکاری پدید می‌آورد؛ ب) با

فرایندهای طراحی، تصمیم سازی و ارائه که هم گنجایش مشکل گشایی^۱ و هم مشروعیت سیاسی آن را افزایش می دهند، این را کار انجام می دهد؛ و (ج) این عملکرد را برای مدت زمان چشمگیری، حتی در رویارویی با شرایط در حال دگرگونی، حفظ می کند (Compton and Hart, 2019: 5). از ویژگی های سیاست موفق به دو مورد تأکید می شود: ۱. رسیدن به اهداف مورد نظر و توزیع دادگراانه هزینه/فایده مربوط به آن سیاست در جامعه؛ ۲. انجامیدن این سیاست به افزایش سرمایه سیاسی سیاستگذاران مسئول؛ و نیز خشنودی مردم از عملکرد نهادهای دولتی مربوط.

۵. نتیجه و پیشنهادهای سیاستی

بسیاری از جوامع با تهدیدهای امنیتی نو و «غیرسنتی» روبه رو شده اند، که چالش هایی را برای پایداری سبک زندگی شهروندان ایجاد کرده و به افزایش احساس ناامنی در بین بسیاری از مردم منجر شده است. رویکردهای امنیتی سنتی بیشتر متمرکز بر سیاست های تأمین امنیت دولت و مرزها و کاربرد زیاد زور بوده است. عملکرد دولت ها بیشتر ناتوانی در رویارویی با ناامنی های واقعی یا پنداری را نشان می دهند و سیاست های امنیتی ملی و بین المللی با واقعیت امروزی سازگار نیستند و شکاف بین دولت ها و شهروندان را به منظور تأمین امنیت عمومی افزایش داده اند. قوانین رسمی و غیررسمی حاکم بر فرایند تدوین و اجرای سیاست گذاری اغلب ذی نفعانی شکل می گیرند که در تلاش اند تا قوانین به پایداری برتری آنها کمک کنند، موفقیت سیاست گذاری به دگرگونی ساختاری برای حفظ منافع عمومی نیاز دارد. هشت پیشنهاد سیاستی در ادامه برای اصلاح بخش امنیتی^۲ با محوریت مردم ارائه می شود:

مشارکت عمومی تسهیل تعاملات بسنده بین کنشگران رسمی و غیررسمی و تشویق مشارکت عمومی در تصمیم گیری های امنیتی. سازوکارهای مشارکت شهروندان باید به کمک رویه های نهادی و مقررات قانونی تضمین شوند.

اعتماد افزایش اعتماد برای تعامل مشارکتی لازم است، ولی اعتماد مردم به دولت ها رو به کاهش بوده است. اعتماد کم می تواند به تضعیف روابط مردم و دولت، کاهش مشروعیت رژیم، و محدودسازی محبوبیت نخبگان سیاسی بینجامد. رهبران سیاسی باید باورپذیر باشند تا از پشتیبانی مردمی برخوردار شوند و تعهد و وفاداری کارمندان دولت را به دست آورند. دولت ها تنها با الگوی حکمرانی امنیتی خوب می توانند اعتمادسازی کنند تا در رویارویی با چالش های امنیتی با همکاری همه شهروندان موفق باشند. اعتمادسازی نیازمند شفافیت، پاسخگویی، راستگویی، توانمندی و

1. Problem-Solving
2. Security Sector Reform (SSR)

خیرخواهی رهبران است. تلاش‌ها باید برای مبارزه با فساد و بهبود پاسخگویی مقامات و کارمندان دولتی مسئول برای اعتمادسازی و اطمینان‌بخشی به مردم بر پایه اصول و تعهدهای دموکراتیک و حقوق بشری افزایش یابد.

پژوهشگران و کارشناسان دانشگاهی برای ارتقای اثربخشی دولت و نهادهای سیاسی و سیاستگذاری مسئول تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌های عمومی تلاش می‌کنند. اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های مبتکرانه دولت وسیله‌ای برای بهبود پاسخگویی به مردم و رویارویی با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی است. در نتیجه، گسستگی رابطه بین پژوهشگران و کارشناسان از یک سو با سیاستگذاران و مدیران دولتی در سوی دیگر و ایجاد شکاف بین این افراد اثربخشی دولت را مختل می‌کند (Mitchell, 2018).

نقش
کارشناسان

نقش و جایگاه شرکا باید بازنگری شود؛ و کارشناسان (محلی، ملی و بین‌المللی) درباره طراحی و اجرای برنامه‌های امنیتی مؤثر فکر کنند که دست‌اندرکاران زیرملی چه نقشی ایفا کنند. پویایی‌های محلی پیچیده‌ترند و «غیرمحلی‌ها» (مقامات ملی یا شرکای بین‌المللی) به‌ندرت آنها را درک می‌کنند. شرکای غیرمحلی باید با احتیاط پیش بروند و نقش شرکای محلی را که شناخت بهتری از اوضاع دارند، با اهمیت‌تر بدانند و موشکافانه به سودمندی نقش آنها بپردازند. ارائه بهترین شیوه‌ها و الگوهای نهادی چه‌بسا تأثیرگذارترین کمک در سطح محلی نباشد. اگر شرکا بتوانند برای یافتن راه‌های مؤثر محلی برای تقویت اصول مهم حکمرانی بخش امنیتی خوب همکاری کنند، زمینه‌ای برای درس‌آموزی متقابل وجود دارد (Chappuis, 2023: 20). بر تعامل سازنده بین کنشگران نهادی در همه سطوح حکمرانی از ملی تا استانی و محلی تأکید شود.

مشارکت
ذینفعان
محلی

افزایش مشارکت معنادار زنان در فرایندهای سیاسی، مدنی و نظامی به پیشگیری از اوج‌گیری اختلاف‌ها و پایان دادن به درگیری‌ها، آمادگی در برابر بلایا، امنیت‌زایی و ایجاد شرایط برای ثبات در دوران پساجنگ و پسابحران کمک خواهد کرد.

مشارکت
زنان

همکاری‌های بین‌المللی برای رویارویی با نگرانی‌های عمومی شهروندان درباره جنایت سازمان‌یافته و تروریسم، مواد مخدر، اسلحه گرم و مواد منفجره، جرائم سایبری، جرائم اقتصادی و ارزش‌تقلبی، فروش آثار هنری دزدیده‌شده و جرم‌های دیگر نیاز به تلاش‌های فراوانی دارد.

افزایش
همکاری
بین‌المللی

آینده‌نگری اهداف امنیت ملی و بین‌المللی کوتاه‌مدت باید با اهداف بلندمدت توسعه و امنیت انسانی همسو باشد. برنامه‌ریزی آینده‌نگر و بلندمدت برای مبارزه با پیامدهای منفی فناوری‌های نوین (همچون چاپ سه‌بعدی، اینترنت اشیا، هوش مصنوعی و جهان‌واره یا متاورس) لازم است. نگرانی دولت‌ها درباره همگرایی فناوری هوش مصنوعی و انسان‌واره (روباتیک) در نیروهای نظامی در سراسر جهان است، ولی رشد سریع فناوری‌های پیشرفته می‌تواند به افزایش فراجرایم، و خطرپذیری فزاینده کاهش امنیت فردی به‌ویژه در فضای مجازی (سایبری) بینجامد. فناوری‌ها و برنامه‌های کنونی برای رویارویی با این تهدیدهای غیرنظامی مؤثر نیستند.

درس آموزی ارزیابی‌های علمی برای کاربرد دانش و اطلاعات ناشی از تجارب بحران‌های گذشته یا کنونی لازم است. سیاستگذاران ملی باید چگونگی مدیریت بحران‌ها و درس آموزی از سیاستگذاری امنیتی در مناطق و کشورهای مختلف را بررسی کنند.

قدردانی

لازم است از معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و داوران محترم فصلنامه سیاست دانشگاه تهران بابت همکاری و همفکری ایشان قدردانی نمایم.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Aitalieva, N.R.; Morelock, A.L. (2019). "Citizens' Perceptions of Government Policy Success: A Cross-National Study," *Journal of Public and Nonprofit Affairs* 5, 2: 198-216, <DOI:10.20899/jpna.5.2.198%E2%80 %93216>.
2. Ariely, G. (2013). "Public Administration and Citizen Satisfaction with Democracy: Cross-National Evidence," *International Review of Administrative Sciences* 79, 4: 747-766, <DOI: 10.1177/0020852313501432>.
3. Asiimwe, S.M. (2023). "Rethinking the Security-Development Nexus in the Context of Human Security," *Social Science and Humanities Journal* 7, 5: 3070-3087. Available at: <http://www.sshjournal.com/index.php/sshj/article/view/856> (Accessed 30 May 2023).
4. "Brazil to Get New Public Security Ministry," *Deutsche Welle (dw.com)*. (2018). <https://www.dw.com/en/brazil-to-create-new-ministry-for-public-security/a-42634164> (Accessed 30 April 2023).
5. Capano, G; and et al. (2015). "Bringing Governments Back in: Governance and Governing in Comparative Policy Analysis," *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice* 17, 4: 311-321, <DOI: 10.1080/13876988.2015.1031977>.
6. De Carvalho, V.M; Lima, R.C. (2023). "Shaping the Security-Development Nexus in Brazil: The Military as a Modernizing and Nation-building Actor?"

- Conflict, Security & Development 23, 2: 105-133, <DOI: 10.1080/14678802.2023.2203094>.
7. Cavalcanti, P.R.; Garman, J. (2020). "The Politics of Crime and Militarized Policing in Brazil." *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy* 9, 2: 102-118, <DOI:10.5204/ijcjsd.v9i2.1157>.
 8. Chappuis, F. (2023). "Hybrid Security: Challenges and Opportunities for Security Sector Reform, Insights from Burkina Faso, Colombia & DRC," (www.dcaf.ch). Geneva: DCAF-Geneva Center for Security Sector Governance. Available at: <https://www.dcaf.ch/hybrid-security-challenges-and-opportunities-security-sector-reform> (Accessed 18 August 2023).
 9. Choi, S.Y. (2018). "Bureaucratic Characteristics and Citizen Trust in Civil Service in OECD Member Nations." *International Area Studies Review* 21, 2: 114-133, <DOI: 10.1177/2233865917753899>.
 10. Commission on Human Security. (2003). *Human Security Now*. New York: United Nations. Available at: <https://digitallibrary.un.org/record/503749/files/Humansecuritynow.pdf> (Accessed 9 October 2023).
 11. Compton, M.E.; Hart, P eds. (2019). *Great Policy Successes*. Oxford, UK: Oxford University Press, Online ed, <DOI:10.1093/oso/9780198843719.001.0001>.
 12. Dalv, M; Macchia, L. (2023). "Global Trends in Emotional Distress," *Proceedings of the National Academy of Sciences* 120, 14: e2216207120, <DOI:10.1073/pnas.2216207120>.
 13. Danish Ministry of Defense. (2022). "Danish Defense, Home Guard and Emergency Management," (www.fmn.dk). Available at: <https://www.fmn.dk/en/topics/national-tasks/forsvaret-hjemmevaret-og-beredskabet> (Accessed 3 May 2023).
 14. Flores-Macias, G.A.; Zarkin, J. (2021). "The Militarization of Law Enforcement: Evidence from Latin America," *Perspectives on Politics* 19, 2: 519-538, <DOI: 10.1017/S1537592719003906>.
 15. Flores-Macias, G.A.; Zarkin, J. (2023). "The Consequences of Militarized Policing for Human Rights: Evidence from Mexico," *Comparative Political Studies* 0, 0: 1-32, <DOI: 10.1177/00104140231168362>.
 16. Foster, C; Frieden, J. (2017). "Crisis of Trust: Socio-Economic Determinants of Europeans' Confidence in Government," *European Union Politics* 18, 4: 511-535, <DOI: 10.1177/1465116517723499>.
 17. Gallup. (2019). "Gallup's Top World Findings for 2019," (gallup.com). Available at: <https://news.gallup.com/opinion/gallup/273089/gallup-top-world-findings-2019.aspx> (Accessed 9 October 2023).
 18. Gallup. (2023). "Global Law and Order, 2023," (gallup.com). Available at: <https://www.gallup.com/analytics/356963/gallup-global-law-and-order-report.aspx> (Accessed 9 October 2023).
 19. Gardine, G. (2023). "The Economic Well-Being of Nations is Associated with Positive Daily Situational Experiences," *Current Research in Ecological and Social Psychology* 4, <DOI:10.1016/j.cresp.2023.100088>.
 20. Geneva Center for the Democratic Control of Armed Forces (DCAF). (2015). "Security Sector Governance- SSR Backgrounder," (dcaf.ch). Geneva: DCAF. Available at: https://www.dcaf.ch/sites/default/files/publications/documents/DCAF_BG_1_Security_Sector_Governance_EN.pdf (Accessed 30 April 2023).
 21. Government of China. (2024). "The General Office of the State Council Issued the Notice of the 'National Natural Disaster Relief Emergency Plan', State Council Letter [2024] No. 11," (gov.cn). Available at: https://www.gov.cn/zhengce/content/202402/content_6930038.htm (Accessed 9 October 2023). **[In Chinese]**

22. Government of Iceland. (2024). "Public Safety and Security," (government.is) Available at: <https://www.government.is/topics/public-safety-and-security> (Accessed 5 May 2023).
23. Icelandic Met Office (IMO). (2018). "Climate Report, the Third Report on Impacts of Climate Change in Iceland," (en.vedur.is). Available at: <https://en.vedur.is/climatology/iceland/climate-report> (Accessed 5 May 2023).
24. INTERPOL (International Criminal Police Organization). (2024a). "How Interpol Supports Brazil to Tackle International Crime," (www.interpol.int). Available at: <https://www.interpol.int/en/Who-we-are/Member-countries/Americas/BRAZIL> (Accessed 5 May 2023).
25. INTERPOL (International Criminal Police Organization). (2024b). "How Interpol Supports China to Tackle International Crime," (www.interpol.int). Available at: <https://www.interpol.int/en/Who-we-are/Member-countries/Asia-South-Pacific/CHINA> (Accessed 5 May 2023).
26. INTERPOL (International Criminal Police Organization). (2024c). "How Interpol Supports Denmark to Tackle International Crime," (www.interpol.int). Available at: <https://www.interpol.int/en/Who-we-are/Member-countries/Europe/DENMARK> (Accessed 5 May 2023).
27. Katzenstein, P.J. (1996). "Conclusion: National Security in a Changing World," in Perter J. Katzenstein, ed. *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press, 498-537.
28. Kaufmann, D; Kraay, A. (2023). "Worldwide Governance Indicators, 2023 Update," (govindicators.org). Available at: <https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators> (Accessed 7 October 2023).
29. Lloyd's Register Foundation and IEP. (2023). *Safety Perceptions Index 2023: Foundation Understanding the Impact of Risk around the World*. Available at: <https://www.visionofhumanity.org/wp-content/uploads/2023/02/SPI-2023-2.pdf> (Accessed 5 September 2023).
30. Luetjens, J. and et al. (2019). "On Studying Policy Successes in Australia and New Zealand," in Luetjens, Joannah, et al., eds. *Successful Public Policy: Lessons from Australia and New Zealand*. Acton: Australian National University Press. <DOI:10.22459/SPP.2019>.
31. Mitchell, D. (2018). "Strategic Implementation: An Illustration of Theory/ Practice Disconnect in Public Administration," *Public Administration Quarterly* 42, 1: 59-89, <DOI: 10.1177/073491491804200103>.
32. Morelock, A.L. (2021). "In Bureaucrats we Trust? Good Governance and Trust in Civil Servants," *Public Administration Quarterly* 45, 3: 315-337, <DOI: 10.37808/paq.45.3.6>.
33. Nolte, I.M.; Lindenmeier, J. (2023). "Creeping Crises and Public Administration: A Time for Adaptive Governance Strategies and Cross-Sectoral Collaboration?" *Public Management Review*, <DOI: 10.1080/14719037.2023.2200459>.
34. Nsoesie, E.O; and et al. (2020). "Mapping Disparities in Homicide Trends across Brazil: 2000–2014," *Injury Epidemiology* 7, 47, <DOI: 10.1186/s40621-020-00273-y>.
35. Oñate, S.P; Pérez Ricart, C.A. (2023). "The Militarization of Public Security in Mexico: A Subnational Analysis from a State (Local) Police Perspective," *Alternatives* 0, 0, <DOI: 10.1177/03043754231177349>.
36. People's Republic of China, The State Council. (2014). "The Ministry of Public Security," (gov.cn). Available at: https://english.www.gov.cn/state_council/2014/09/09/content_2814749862841_54.htm (Accessed 3 May 2023).

37. Ray, J. (2019). "Americans' Stress, Worry and Anger Intensified in 2018." (news.gallup.com). Available at: <https://news.gallup.com/poll/249098/americans-stress-worry-anger-intensified-2018.aspx> (Accessed 9 March 2023).
38. Sedra, M. (2022). A People-Centered Approach to Security: Seeking Conceptual Clarity to Guide Policy Development. New York: UNDP. Available at: <https://www.undp.org/publications/people-centered-approach-security> (Accessed 5 May 2023).
39. U.S. Department of Homeland Security, Office of Intelligence and Analysis. (2024). Homeland Threat Assessment 2024. Washington, DC: Department of Homeland Security. Available at: https://www.dhs.gov/sites/default/files/2023-09/23_0913_ia_23-333-ia_u_homeland-threat-assessment-2024_508C_V6_13Sep23.pdf (Accessed 26 September 2023).

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



